

برخورد مقررات قانون مدنی

و تجارت در مورد

قرارداد حمل و نقل

قبل از وضع قانون تجارت — که قانونی نسبتاً جدید است — مقررات قانون مدنی بر قرارداد حمل و نقل، به عنوان یکی از اقسام عقد اجاره حکومت داشت.

بر اثر گسترش روزافزون مبادلات بازرگانی، قرارداد حمل و نقل نقش با اهمیتی پیدا کرد؛ بطوری که امروزه مهمترین پایه توسعه روابط تجاری را تشکیل می دهد. بدین جهت قانون تجارت تغییرات اساسی در آثار و حتی ماهیت قرارداد حمل و نقل به وجود آورد که متناسب با سرعت و اطمینان لازم در جریان امور بازرگانی می باشد. به این ترتیب جز در جهات و موارد محدود که ذکر خواهد شد، قانون تجارت ایران، به عنوان یک قانون خاص، قرارداد حمل و نقل را از شمول مقررات قانون مدنی که یک قانون عام می باشد، خارج کرده است.

پیش از آنکه به شرح مطالب پردازیم، لازم است آن قسمت از مواد قانون مدنی و قانون تجارت را که در مورد ماهیت و قسمتی از آثار قرارداد

حمل و نقل با هم برخورد پیدا کرده اند، ذکر کنیم.
قانون مدنی که قرارداد حمل و نقل را نوعی عقد اجاره اشخاص
بشمار آورده است در ماده ۵۱۳ چنین مقرر می دارد:

اقسام عمده اجاره اشخاص از قرار ذیل است:

۱. اجاره خدمه و کارگران از هر قبیل.
 ۲. اجاره متصدیان حمل و نقل اشخاص یا مال التجاره اعم از راه خشکی یا آب یا هوا. (به موجب ماده ۵۱۶ ق. م.)
- تعهدات متصدیان حمل و نقل اعم از اینکه از راه خشکی یا آب یا هوا باشد برای حفاظت و نگهداری اشیائی که به آنها سپرده می شود همان است که برای امانت داران مقرر است؛ بنابراین در صورت تفریط یا تعدی، مسئول تلف یا ضایع شدن اشیائی خواهند بود که برای حمل به آنها داده می شود و این مسئولیت از تاریخ تحویل اشیاء به آنان خواهد بود.

مطابق ماده ۳۷۸ ق. ت:

قرارداد حمل و نقل تابع مقررات وکالت خواهد بود، مگر در مواردی که ذیل استثناء شده باشد.

ماده ۳۸۶ ق. ت: اعلام می دارد:

اگر مال التجاره تلف یا گم شود متصدی حمل و نقل مسئول قیمت آن خواهد بود، مگر اینکه ثابت نماید تلف یا گم شدن مربوط به جنس خود مال التجاره یا مستند به تقصیر ارسال کننده یا مرسل الیه و یا ناشی از تعلیماتی بوده که یکی از آنها داده اند و یا مربوط به حوادثی بوده که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی توانست از آن جلوگیری نماید. قرارداد طرفین می تواند برای میزان خسارت مبلغی کمتر یا زیادتر از قیمت کامل مال التجاره معین نماید.

با توجه به مواد بالا گفتار خود را در دو فراز زیر می آوریم: ماهیت و آثار قرارداد حمل و نقل.

الف. ماهیت قرارداد حمل و نقل

چنانکه قبلاً اشاره کردیم قرارداد حمل و نقل در قانون مدنی یک نوع عقد اجاره اشخاص به حساب آمده است که بالطبع عقدی لازم محسوب می شود و هیچ یک از طرفین نمی تواند بدون رضای دیگری آن را منفسخ سازد، مگر در صورت وجود یکی از اختیارات؛ در صورتیکه قانون تجارت ماهیت آن را تغییر داده است. از یک طرف ماده ۳۷۸ آن را تابع مقررات عقد وکالت دانسته است، که ظاهراً ارسال کننده در حکم موکل، و متصدی حمل و نقل در حکم وکیل تلقی شده است و نتیجه آن اصولاً جایز بودن و قابل فسخ بودن قرارداد حمل و نقل به وسیله هریک از دو طرف معامله است. به این سبب در ماده ۳۸۲ ق. ت. مقرر گردیده است که ارسال کننده کالا می تواند آن را مادام که درید متصدی حمل و نقل است، با پرداخت هزینه انجام شده و خسارات مربوط استرداد کند.

بازگشت مفاد ماده اخیر به جایز بودن قرارداد حمل و نقل است و با مقررات عقد وکالت نیز انطباق دارد؛ زیرا موکل می تواند در اثنای عمل وکیل، عقد وکالت را فسخ کند، ولی ملزم است کلیه مخارج و همچنین خسارات وارد بر وکیل را — که سبب آن عقد وکالت بوده است — به وکیل بپردازد. از طرف دیگر در پاره ای مواد مربوط، این قرارداد را نسبت به پاره ای آثار و احکام، از مقررات عقد وکالت جدا کرده و به آن وضعیت خاصی بخشیده است. مثلاً ماده ۳۸۳ ق. ت. در مواردی به ارسال کننده که به منزله موکل است، اجازه نمی دهد که مال التجاره را از متصدی حمل و نقل باز ستاند؛ بلکه او را موظف ساخته است که در موارد مذکور تابع مرسل الیه باشد و مطابق دستور او عمل کند. همچنین برخلاف مقررات عقد وکالت، در ماده ۳۸۴ ق. ت. به متصدی حمل و نقل اجازه داده شده است تا چنانکه ارسال کننده یا مرسل الیه در مدت مناسبی تکلیف مال التجاره را روشن نسازند، آن را به فروش برساند.

بعلاوه به موجب ماده ۳۹۴ ق. ت. که اعلام می دارد: «حمل و نقل به وسیله پست تابع مقررات این باب نیست»، معلوم می شود که در مورد حمل و نقل پستی، مقررات قانون مدنی همچنان به قوت خود باقی است و قراردادهای مربوط، ماهیت حقوق مدنی خود را حفظ کرده است.

با مطالعه مجموع آنچه که در بالا ذکر گردید، و با در نظر گرفتن اینکه قانون تجارت به عنوان قانون خاص حاکم بر مقررات مدنی است، می توان گفت که جز در مورد حمل و نقل پستی، اصولاً قرارداد حمل و نقل نه ماهیت عقد اجاره را دارد و نه ماهیت عقد وکالت را؛ بلکه در وضعیت خود نوع خاصی از عقود معین است که در حقوق مدرن تجارت تأسیس شده است؛ منتهی در صورت فقدان نص خاص، تابع مقررات عقد وکالت است و آثار و احکام خود را در مواردی که قانون تجارت مشخص نکرده باشد، از این عقد می گیرد. اضافه می کنیم که قرارداد حمل و نقل از جهت لزوم اجتماع شرایط عمومی صحت قراردادها مذکور در ماده ۱۹۰ ق. م. و مواد مربوط دیگر، مانند سایر عقود و معاملات است.

ب. آثار و احکام قرارداد حمل و نقل

بر مبنای آنچه که در مورد ماهیت قرارداد حمل و نقل، با ملاحظه برخورد مقررات مدنی و تجارت ذکر شد، آن دسته از آثار و احکام این قرارداد که مورد برخورد مقررات مذکور است، در دو قسمت زیر بررسی می گردد:

۱. آثار ناشی از جواز عقد

همان طور که در بالا گفته شد، ماده ۳۷۸ ق. ت. قرارداد حمل و نقل را تابع مقررات عقد وکالت دانسته است. نتیجه این وضعیت این است که قرارداد مزبور، با فوت یا جنون و یا عروض سفه برای هریک از

ارسال کننده و متصدی حمل و نقل، منحل می گردد؛ زیرا این اثر لازمه عقد جایز است، و هیچ یک از مواد مربوط آن را نفی نکرده است.

۲. مسئولیت متصدی حمل و نقل

در ماده ۵۱۶ ق.م. متصدی حمل و نقل امین معرفی گردیده است، که در صورت تلف یا نقص یا عیب مال التجاره هیچ گونه مسئولیتی در برابر ارسال کننده ندارد، مگر در صورت تعدی و تفریط. این امر بطور کلی خاصیت امانی بودن تصرف است. بنابراین باید گفت عدم مسئولیت متصدی حمل و نقل، اصل و مفروض است، مگر آنکه تعدی و تفریط ثابت گردد. پس برای اثبات مسئولیت، ارسال کننده باید دلیل بر وقوع تعدی و تفریط از جانب متصدی حمل و نقل اقامه کند. همین وضعیت نسبت به مسئولیت وکیل در برابر موکل نیز حاکم است.

اما در قانون تجارت این فرض تغییر جهت داده است؛ بطوری که متصدی حمل و نقل در صورت تلف، نقص و عیب مال التجاره مسئول خواهد بود، مگر آنکه ثابت کند تلف یا گم شدن، معلول یکی از امور زیر بوده است:

۱. جنس خود مال التجاره.
۲. تقصیر ارسال کننده یا مرسل الیه.
۳. تعلیمات یکی از آن دو.
۴. حوادثی که هیچ متصدی مواظبی نمی توانست از آن جلوگیری کند.

پس برعکس آنچه که در قانون مدنی مقرر گردیده است، اصل، مسئولیت متصدی حمل و نقل است، مگر آنکه عدم تقصیر او ثابت شود. به این ترتیب بار اقامه دلیل به او تحمیل گردیده است. در این مورد نیز قانون تجارت که قانون خاص محسوب می شود، بر مقررات قانون مدنی مقدم خواهد بود.

مسئله ای که در اینجا قابل بحث به نظر می رسد این است که آیا در

این شرایط، تصرف و ید متصدی حمل و نقل امانی است یا ضمانی. آنچه که با تحلیل مواد مربوط و جمع مقررات قانون مدنی و قانون تجارت در پاسخ می‌توان گفت این است که تصرف مزبور نه امانی است و نه ضمانی، بلکه از یک وضعیت حقوقی خاص برخوردار است؛ زیرا از یک طرف چنانچه گفته شد، تصرف امانی هنگامی تصور می‌شود که عدم مسئولیت متصرف مفروض باشد؛ در صورتیکه در مورد متصدی حمل و نقل، مسئولیت، مفروض و اصل است. از طرف دیگر ضمانی، زمانی محقق می‌شود که متصرف همواره مسئول تلف، نقص یا عیب مال مورد تصرف باشد؛ اعم از آنکه تقصیر یا عدم تقصیر او ثابت گردد، یا اینکه هیچ‌یک از این دو محرز نباشد؛ مانند تصرف غاصب نسبت به مال مغضوب.

ماده ۶۳۱ ق. م. مقرر می‌دارد:

«هرگاه کسی مال غیر را به عنوانی غیر از مستودع، متصرف باشد و مقررات این قانون او را نسبت به آن مال امین قرار داده باشد، مثل مستودع است. بنابراین مستأجر نسبت به عین مستأجره، قیم یا ولی نسبت به مال صغیر یا مولی علیه و امثال آنها ضامن نمی‌باشند، مگر در صورت تعدی یا تفریط، و در صورت استحقاق مالک به استرداد از تاریخ مطالبه او و امتناع متصرف با امکان رد، متصرف مسئول تلف و هر نقص یا عیبی خواهد بود، اگرچه مستند به فعل او نباشد».

از مفهوم عبارات ماده بالا بخوبی استفاده می‌شود که اصل در تصرف، ضمانی بودن آن است؛ یعنی در هر حال متصرف مال دیگری مسئول است، مگر آنکه تصرف به موجب یکی از عقود باشد که قانون، در آن ید متصرف را امانی اعلام کرده است؛ مانند ید مستأجر نسبت به عین مستأجره، ید ولی و قیم نسبت به اموال مولی علیه. به این جهت در غیر عقود مذکور متصرف ضامن خواهد بود، اگرچه تلف یا نقص یا عیب، مستند به فعل او نباشد. با توجه به مطالب بالا این نتیجه به دست می‌آید که ید متصدی حمل و نقل نسبت به مال التجاره، هیچ‌یک از دو وضعیت بالا را ندارد؛ زیرا از جهتی عدم مسئولیت او مفروض نیست، و از جهت دیگر

نمی‌توان او را همواره و در هر حال مسئول دانست؛ چرا که قانوناً به او فرصت داده شده است که بتواند با اثبات تقصیر ارسال‌کننده یا مرسل‌الیه و یا با اثبات امور دیگری که در ماده ۳۸۶ ق. ت. آمده است، خود را از مسئولیت مبری سازد.

در اینجا ذکر دو نکته لازم است: یکی اینکه مطابق ماده ۳۸۴ ق. ت. هرگاه مرسل‌الیه مال التجاره را نپذیرد و یا هزینه و مطالبات متصدی حمل و نقل پرداخت نشود و یا اصولاً دسترسی به مرسل‌الیه ممکن نباشد، متصدی حمل و نقل باید مراتب را به ارسال‌کننده اطلاع دهد و مال التجاره را موقتاً بطور امانت نزد خود یا شخص ثالثی نگهدارد، که در هر دو صورت مسئول تلف یا نقص یا عیب آن نخواهد بود. در حقیقت می‌توان گفت که در این صورت ید متصدی حمل و نقل مانند ید مستودع و وکیل، امانی است و دیگر مسئولیت او مفروض نخواهد بود و فقط هنگامی می‌توان او را مسئول دانست که ثابت شود مرتکب تعدی یا تفریط شده است. دیگر اینکه به موجب ماده ۳۸۶ ق. ت. ارسال‌کننده و متصدی حمل و نقل می‌توانند به تراضی مبلغی را کمتر یا بیشتر از قیمت مال التجاره برای جبران خسارت وارده در اثر تلف یا گم شدن آن تعیین کنند، که در این صورت بدون احتیاج به تعیین قیمت از طریق کارشناس و غیره، متصدی حمل و نقل مسئول پرداخت آن خواهد بود؛ هر چند که میزان تعیین شده بیش از ارزش واقعی مال التجاره باشد. مسئله‌ای که در اینجا طرح می‌شود این است که هرگاه مبلغ تعیین شده کمتر از میزان واقعی خسارت وارده باشد، آیا ارسال‌کننده می‌تواند مازاد بر مبلغ مقرر را از متصدی حمل و نقل درخواست کند؟ عده‌ای به این سؤال پاسخ مثبت داده و معتقد شده‌اند که هرگاه میزان خسارت واقعی بیش از رقم مقرر بین طرفین باشد، ارسال‌کننده خواهد توانست با اثبات آن، مازاد بر مبلغ تعیین شده را نیز درخواست کند. در حقیقت این عقیده را می‌توان چنین توجیه کرد که مبلغ مقرر صرفاً مربوط به خساراتی است که منشای اثبات آن، اماره مسئولیت متصدی حمل و نقل است، نه ادله مثبت اتلاف یا تعدی و تفریط او؛ یعنی منظور طرفین این است که

مسئولیت مفروض متصدی حمل و نقل، به رقم تعیین شده به تراضی طرفین محدود گردد. بنابراین ارسال کننده خواهد توانست با اثبات تعدی یا تفریط، رقم واقعی خسارت وارده را درخواست کند؛ همچنان که متصدی حمل و نقل می تواند با اثبات اینکه تلف و یا گم شدن مال التجاره مربوط به جنس آن یا ناشی از دستورات ارسال کننده یا مرسل الیه، و یا راجع به امور دیگر مذکور در ماده ۳۸۶ ق. ت. بوده است، مسئولیت خود را حتی نسبت به مبلغ مقرر بین طرفین نیز منتفی سازد.

نظریه مذکور با عرف تجارتی منطبق است، ولی آن را در مواردی می توان پذیرفت که از عبارات قرارداد و یا قرائن موجود، قصد و اراده مشترک طرفین برخلاف آن احراز نشود؛ و الا ضابطه میزان مسئولیت، همان قصد مشترک ایشان خواهد بود. بنابراین قبول این نظریه، بطور اطلاق حتی با توجیهی که فوقاً نسبت به آن بعمل آوردیم، خالی از اشکال نیست.

نتیجه ای که از مجموع مطالب مذکور می توان گرفت این است که در موارد برخورد مقررات مدنی و بازرگانی نسبت به قرارداد حمل و نقل، مقررات بازرگانی به عنوان خاص مقدم بر مقررات مدنی است؛ ولی در موارد سکوت و اجمال، یا مواردی که صریحاً از شمول قانون تجارت خارج گردیده است، مقررات مدنی قابل اجرا خواهد بود، و همچنان که دیدیم مواد ۵۱۶ و ۵۱۷ ق. م. را نمی توان کاملاً منسوخ دانست.